

## The Quiddity, Rationale, and Mechanism of the Scientific Authority of the Holy Qur'an in Political Science

Mohammad Ali Ghasemi

PhD., Department of Medical Jurisprudence, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.  
ghasemimohammad110@gmail.com

### Abstract

The purpose of this research is the representation and explication of the "Scientific Authority of the Holy Qur'an" in the arena of political science. This research, with an analytical approach and within the framework of second-order knowledge (philosophy of science), intends to reveal the principles, foundations, and prerequisites of this theory to pave the ground for the maximum use and correct productivity of Quranic teachings in the field of political science and to prevent probable errors in its application. Although the Holy Qur'an was revealed as the strongest divine message for guidance and achieving complete felicity, and despite the necessity of analyzing its impacts on political science doubling with the practical realization of the Islamic government, its authority in politics remains neglected. Therefore, the main problem of the research is: What is scientific authority and how is it defined? What is the necessity of addressing the scientific authority of the Holy Qur'an in political science? And with what mechanisms and methods is the authority of the Qur'an realized and implemented for political knowledge? The main hypothesis is that the Holy Qur'an, as the only heavenly book immune from error and distortion, possesses scientific authority regarding political science, and the rationale and mechanism of this authority are provable and implementable. The work method involves recognizing key concepts (especially scientific authority) and then justifying the necessity and mechanism of realizing authority using necessary reasons and documentation. The research findings showed that the desired scientific authority means "meaningful and comprehensive influence accompanied by presenting a suitable method and model." This authority, by possessing transcendent political propositions and systems, challenges the prevailing paradigm in political science and paves the ground for the formation of Qur'an-based political knowledge. The rationale for raising the discussion of authority lies in clarifying the share of the Qur'an in the Islamization of political knowledge. The mechanism for realizing authority is also possible through solutions such as training interdisciplinary specialists, selecting a model of religious science (such as the model of Ayatollah Jawadi), preparing a comprehensive document of authority, and examining authority in the rules and issues of political knowledge. Consequently, this research, while proving the scientific authority of the Qur'an in political knowledge, also presents operational solutions for its implementation.

**Keywords:** Holy Qur'an, Scientific Authority (*Marja'iyat*), Political Science.

---

Received: 2025-02-24 ; Received in revised form: 2025-04-04 ; Accepted: 2025-05-02 ; Published online: 2025-07-01

<https://doi.org/10.22034/sm.2023.2003563.2077>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## چیستی، چرایی و چگونگی مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی

محمدعلی قاسمی

دکتری، گروه فقه پزشکی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. ghasemimohammad110@gmail.com

### چکیده

هدف این پژوهش، بازنمایی و تبیین «مرجعیت علمی قرآن کریم» در عرصه علوم سیاسی است. این تحقیق با رویکرد تحلیلی و در چارچوب دانش درجه دوم (فلسفه علم)، درصدد آشکارسازی مبادی، مبانی و پیش‌نیازهای این نظریه است تا زمینه‌ساز استفاده حداکثری و بهره‌وری صحیح از معارف قرآنی در حوزه علوم سیاسی باشد و از خطاهای احتمالی در به‌کارگیری آن پیشگیری نماید. علی‌رغم آنکه قرآن کریم به عنوان محکم‌ترین پیام الهی برای هدایت و دستیابی به سعادت کامل نازل شده و با تحقق عملی حکومت اسلامی، ضرورت واکاوی تأثیرات آن بر علوم سیاسی دوچندان شده، مرجعیت آن در سیاست همچنان مغفول مانده است. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش این است که مرجعیت علمی چیست و چگونه تعریف می‌شود، ضرورت پرداختن به مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی کدام است، و مرجعیت قرآن برای دانش سیاسی با چه راهکارها و شیوه‌هایی محقق و پیاده‌سازی می‌شود؟ فرضیه اصلی این است که قرآن کریم به عنوان تنها کتاب آسمانی مصون از خطا و تحریف، نسبت به علوم سیاسی دارای مرجعیت علمی است و چرایی و چگونگی این مرجعیت قابل اثبات و پیاده‌سازی است. روش کار شامل بازشناسی مفاهیم کلیدی (به ویژه مرجعیت علمی) و سپس توجیه ضرورت و چگونگی تحقق مرجعیت با استفاده از دلایل و مستندات لازم است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مرجعیت علمی مطلوب، به معنای «تأثیرگذاری معنادار و جامع همراه با ارائه روش و الگوی مناسب» است. این مرجعیت با داشتن گزاره‌ها و نظام سیاسی متعالی، پارادایم پیشین در علوم سیاسی را به چالش کشیده و زمینه‌ساز شکل‌گیری دانش سیاسی قرآن‌بنیان می‌شود. چرایی طرح بحث مرجعیت در روشن‌سازی سهم قرآن در اسلامی‌سازی دانش سیاسی است. چگونگی تحقق مرجعیت نیز از طریق راهکارهایی چون تربیت متخصصان بینارشته‌ای، انتخاب الگوی علم دینی (مانند الگوی آیت‌الله جوادی)، تهیه سند جامع مرجعیت، و بررسی مرجعیت در قواعد و مسائل دانش سیاسی امکان‌پذیر است. در نتیجه، این پژوهش ضمن اثبات مرجعیت علمی قرآن در دانش سیاسی، راهکارهای عملیاتی برای پیاده‌سازی آن را نیز ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، مرجعیت علمی، علوم سیاسی.

استناد به این مقاله: قاسمی، محمدعلی (۱۴۰۴). چیستی، چرایی و چگونگی مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی. *سیاست متعالیه*، ۱۳(۲):

ص ۷-۲۶. <https://doi.org/10.22034/sm.2023.2003563.2077>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

بی تردید قرآن کریم، یگانه کتاب آسمانی مصون از خطا و تحریف بوده و امروزه آهنگ بازگشت به مفاهیم دانشی قرآنی، سرعت بیشتری گرفته است؛ که این امر به صورت‌ها و روش‌های مختلف دنبال می‌شود. از سوی دیگر، حوزه دانش سیاسی به دلیل فراگیری و کاربرد بودن و شمول حداکثر، همواره مورد توجه دانشیان این عرصه بوده است. با توجه به دو نکته پیش گفته و با تحقق عملی حکومت مبتنی بر اسلام (قرآن)، ضرورت واکاوی دیدگاه‌ها و تأثیرات قرآن کریم بر دانش سیاسی، بیشتر از گذشته رخ می‌نماید. «نظریه مرجعیت علمی قرآن کریم» مناسب‌ترین نظریه برای استفاده حداکثری از قرآن کریم در عرصه علوم انسانی است که به رغم تحقق حکومت اسلامی، چندان به آن توجه نشده است. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است به کشف و تبیین مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی، ضرورت پرداختن به آن، چگونگی تحقق و پیاده شدن آن در حوزه علوم انسانی (علوم سیاسی) بپردازد. اگرچه محققان در موضوع چگونگی استفاده از معارف قرآن، کتاب‌ها و مقالات بسیاری نگاشته‌اند؛ اما نوشتاری که در باب فلسفه مرجعیت علمی قرآن، به صورت تفصیلی به موضوع «چیستی، چرایی و چگونگی» مرجعیت علمی قرآن کریم پرداخته باشد، یافت نشد و در حد سخن و یا ارائه شفاهی باقی ماند. از این رو، پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی، ضمن استناد به کاربرد مرجعیت در آثار علمی سال‌های اخیر، به تبیین معانی مختلف «مرجعیت علمی قرآن کریم» و چیستی آن، برگزیدن معنای مناسب در راستای تبیین نظریه در راستای استفاده حداکثری از معارف قرآنی و چگونگی تحقق مرجعیت علمی قرآن پرداخته است. چیستی، چرایی و چگونگی، پیش‌نیاز مرجعیت علمی قرآن پیش از ورود به مرجعیت علمی قرآن کریم است. بنابراین، نخست باید مبادی، مبانی و پیش‌نیازهای این موضوع مورد دقت و تأمل قرار گیرد. به طور کلی، از سه بحث «چیستی، چرایی و چگونگی» به عنوان دانش درجه دوم و فلسفه علم بحث می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، پرداختن به مباحث فلسفه علم، مقدم بر دانش و علم است؛ از این رو، از ارزش بیشتری برخوردار است. بنابراین، قبل از ورود به بحث‌های درجه اول، باید به بحث از ماهیت مرجعیت علمی، دلایل پرداختن به آن و چگونگی تحقق آن پرداخت. بر این اساس، پژوهش حاضر مقدمه و پیش‌نیاز استفاده و بهره‌وری از نظریه «مرجعیت علمی قرآن کریم» در دانش‌ها با تأکید بر دانش سیاسی» می‌باشد. گاه پژوهشگر با روش دانش درجه اول، وارد استنباط و استخراج مطالب متقن و مستحکم قرآنی می‌شود که در حقیقت، همان تفسیر ترتیبی سنتی مرسوم یا تفسیر موضوعی با روش‌های مختلف است؛ و گاه با رویکرد دانش درجه دوم به تحقیق در قرآن کریم می‌پردازد که بحث از مرجعیت علمی قرآن، چیستی، چرایی و چگونگی نیز از دانش‌های درجه دوم است که به دلیل بدیع بودن، نیازمند امعان نظر بیشتری خواهد

بود. پژوهش حاضر درصدد است تا به معرفی مرجعیت علمی قرآن کریم در دانش سیاسی پرداخته و فواید و چگونگی استفاده از آن را به صورت دانش درجه دوم برجسته سازد. بدین منظور، با تبیین چیستی مرجعیت علمی، دلایل لزوم پرداختن به آن، چگونگی ورود و بهره‌وری از آن و شیوه به‌کارگیری آن در علوم سیاسی نمایان می‌شود؛ تا در استفاده و بهره‌وری از آن گرفتار خطا نشویم.

## ۲. چیستی مرجعیت علمی

«مرجع» از ریشه «رجع» به معنای «عاد» یا «انصراف» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۴۹۰) و مرجع به معنای «محل رجوع و جای بازگشت» آمده است (معین، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۳۹۹۶). مرجعیت، مصدر جعلی از ماده «رجع» به معنای بازگشتن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۱۴۱). در راستای تبیین چیستی «مرجعیت علمی» باید معانی مختلف مرجعیت را بررسی کرده و براساس شواهد و مرجحات، معنای برگزیده را تبیین کرد: در برخی انظار، مرجعیت به معنای کشف مسائل موضوع از قرآن است، که به صورت تفسیر موضوعی قرآن، مرجع پژوهش قرار می‌گیرد. بدین معنا که دانشیان می‌توانند از این منبع معرفتی در حوزه اهداف، مبانی و... علوم مختلف به‌ویژه علوم انسانی استفاده کنند (رضائی اصفهانی، ۱۳۹۶: ص ۱۵). در نقد و بررسی این معنا همین بس که معنای یادشده مرجعیت در سطح نخست و به معنای دانش درجه اول مدنظر است. بنابراین، چیزی جز تفسیر موضوعی نخواهد بود و این معنا مورد نظر نیست؛ زیرا ظرفیت ایجاد تحول و بازگشت به قرآن و تغییر و تبیین علوم را ندارد. در نظرگاه دیگری، «مرجعیت» به معنای بهره‌جستن از داده‌ها و اطلاعات قرآنی در راستای تأسیس و تحول علوم انسانی است (عالمی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۱۲۰). معنای یاد شده نیز منظور نظر «نظریه مرجعیت علمی» نخواهد بود؛ زیرا صرف استفاده از قرآن در گزاره‌های یک علم، همان تفسیر موضوعی پیشین است و تفاوت و اثر قابل توجه دیگری نخواهد داشت. یا مرجعیت را به معنای پذیرش حاکمیت قرآن در زمینه نگرش‌های اعتقادی و کنترل کنش‌های انسانی در زمینه حکمت عملی و قرار دادن تلاش‌های علمی انسان در جهت نیل به سعادت و کمال حقیقی لحاظ کرده‌اند؛ به گونه‌ای که روح توحید در ابعاد و جنبه‌های گوناگون دانش بشری سریان و حضور داشته باشد (طوسی و عالمی، ۱۳۹۶: ص ۱۴۴). اگرچه صاحبان این نظر، تبیین درستی از چگونگی تطبیق و پیاده کردن معنای پیش‌گفته ارائه نکرده‌اند؛ ولی به نظر می‌آید منظور آنان این است که: اگر ما همه بایدها و نبایدهای مطرح شده در قرآن را در همه عرصه‌های علوم طبیعی و انسان حاکم سازیم، به گونه‌ای که روح توحیدی قرآن در تمام آنها جریان یابد، مرجعیت علمی قرآن کریم تحقق یافته است. این معنا نیز منظور نظر نخواهد بود؛ زیرا افزون‌بر اینکه سهم قرآن را در بیان

بایدها و نبایدها در زمینه دانش‌ها تعیین نکرده است، به چگونگی تحقق این معنا نیز اشاره‌ای نشده و به عبارت دیگر، معنای واضحی جز سریان یافتن معنای توحید در همه عرصه‌های علوم طبیعی و انسانی، از آن فهمیده نمی‌شود. افزون بر اینکه جریان باید و نباید در یک دانش، معنای موجهی ندارد. بنابراین، این معنا نیز نمی‌تواند منظور نظر نظریه مرجعیت علمی قرآن کریم باشد. در نظر برخی، «مرجعیت» به معنای سنجش گزاره‌های یک دانش با قرآن است؛ به این معنا که یا تمام گزاره‌های یکی از عرصه‌های علم انسانی در قرآن بیان شده باشد و یا اگر در قرآن نیامده است، با مبانی، متد، محتوا و غایات الهی در تعارض نباشد (عظیمی، ۱۳۹۶: ص ۱۶۴).

در این معنا دو نکته عمده وجود دارد که ملاک و معیار مرجعیت خواهد بود:

الف. اگر تمام گزاره‌های یکی از علوم انسانی به صورت کامل از قرآن اخذ شود، معنای مرجعیت تحقق یافته است.

ب. چنانچه تمام گزاره‌های یکی از علوم انسانی در قرآن نیامده، همین که دانش یادشده با مبانی، متد، محتوا و غایات الهی تعارض نداشته باشد، کافی است.

در تحلیل این معنا باید گفت، در صورتی که معنای «الف» تحقق یابد، شکی در مرجع بودن قرآن نسبت به دانش مورد نظر وجود ندارد؛ ولی در صورتی که همه گزاره‌های دانشی در قرآن نیامده باشد، صرف عدم تعارض چگونه مرجعیت بخش قرآن خواهد بود. به عبارت دیگر، صرف عدم تعارض برای قرآنی بودن کافی نیست؛ مگر مبنای ویژه‌ای و مفاهیم دیگری به این معنا اضافه شود که در این صورت به معنای جدید مبدل خواهد شد. ممکن است «مرجعیت» به معنای مرجع و منبع معرفتی بودن قرآن لحاظ شود؛ به این معنا که معارف علوم انسانی و یا تجربی منحصر در تجربه (حس و عقل) نباشد؛ بلکه از طریق ماوراء و وحی نیز تأمین شود. در نتیجه، همان‌سان که یک نظریه علمی براساس تجربه و عقل شکل گرفته، اثبات می‌شود، که یک دانش مانند علوم سیاسی می‌تواند با مرجعیت قرآن براساس آیات الهی شکل بگیرد و مبتنی بر آن تدوین شود. بنابراین، نظریه پردازی قرآن نسبت به مسائل علوم انسانی و گاه تجربی شکل می‌گیرد (رضائی اصفهانی، ۱۳۹۶).

**نقد این معنا:** در این معنا تنها برخی گزاره‌های علمی قرآن کریم به عنوان نظریه مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به عبارت دقیق‌تر، به گونه‌ای تفسیر موضوعی گزینشی صورت می‌گیرد که شرح و بسط توسط مفسر و پژوهشگر انجام می‌شود، ولی تأثیر کلی قرآن بر دانش‌ها مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد.

**چپستی معنای برگزیده مرجعیت علمی:** از دیدگاه نگارنده، «مرجعیت علمی قرآن کریم» به معنای

تأثیرگذاری معنادار قرآن بر دانش مورد نظر است؛ به این معنا که اثرگذاری به معنای تأثیر در الگوی دانش و تأثیر در جهت‌دهی و اثرگذاری بر مسائل، مبانی، روش، به صورت تأسیسی یا تکمیلی و اصلاحی مورد نظر است، بی‌تردید این‌گونه تأثیرگذاری جامع، سبب پدیدار شدن دانشی متفاوت از دانش بشری مقطوع از قرآن خواهد شد. به عبارت روشن‌تر، گونه‌های تأثیرگذاری جامع در فرآیند ذیل رخ می‌دهد:

۱) اینکه قرآن کریم با تأثیر بر مبانی (هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی) و اثرگذاری در روش‌شناختی در دانش سیاسی اثر بگذارد.

۲) با ایجاد مفاهیم و پیرو آن ایجاد دانش‌هایی مانند کلام سیاسی یا فقه سیاسی، فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی قرآن‌بنیان در دانش سیاسی اثر بگذارد.

۳) بیان مجموعه گزاره‌هایی که به صورت حلقه‌های به هم پیوسته، یا تخطئه گزاره‌های دانش بشری سبب ایجاد دانش جدید و متفاوت از دانش عرفی شود.

۴) قرآن کریم با تبیین قواعد و اصول دانش سیاسی توسط قرآن یا اصلاح کلی اصول دانش بشری، دانش سیاسی جدیدی ارائه دهد.

بنابراین، مرجعیت به معنای اخیر مورد نظر این نظریه است؛ یعنی مرجعیت به معنای تأثیرگذاری جامع در سطوح مختلف یک دانش که به ارائه دانش سیاسی متفاوتی از دانش سیاسی مرسوم بیانجامد.

### ۳. چپستی علوم سیاسی

سیاست هرچه باشد، دانش سیاسی دانشی خواهد بود که به مطالعه آن می‌پردازد. در لغت و اصطلاح، تعاریف مختلفی برای واژه سیاست بیان شده است. گاه سیاست به عنوان فن و کنش اجتماعی با عباراتی مانند عبارات زیر تعریف شده است: «آنچه مربوط به شهر، اداره آن و متعلقات آن است» یا «سیاست، فن حکومت بر جوامع انسانی» (جاسمی، ۱۳۵۷: ص ۲۵۴) و یا «مجموعه تدابیری است که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۴: ص ۲۰۲)؛ و گاه گفته شده «هر امری که مربوط به دولت، مدیریت، تعیین شکل، مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد، از مقوله امور سیاسی است» (آشوری، ۱۳۹۴: ص ۲۱۲). در این گروه تعاریف، «سیاست» به عنوان فن/پدیده‌ای است که با جامعه و مردمان مرتبط است. در معنای دوم، سیاست به عنوان یک علم و رشته علمی تعریف می‌شود: «سیاست، علم حکومت بر کشور است» (بابایی و آقایی، ۱۳۹۴: ص ۳۹۳) و برخی آن را علمی می‌دانند که به ما می‌آموزد چه کسی می‌برد، چه می‌برد، کجا می‌برد چگونه می‌برد و چرا می‌برد؟ (همان). برخی دیگر بر این نظرند که

«سیاست، مطالعه دولت است» (جاسمی، ۱۳۵۷: ص ۲۵۴): در این نوع تعریف‌ها منظور دانشوران از «سیاست» یک رشته تخصصی و علمی در کنار دیگر رشته‌ها مانند علم اقتصاد، علم حقوق و... خواهد بود. از منظری دیگر، گاه تعریف سیاست براساس غایت آن صورت می‌گیرد (بهریزی لک، ۱۳۹۲: ص ۴۰). تعریف‌های غایت‌گرا به سه دسته تقسیم می‌شود؛ در پاره‌ای تعریف‌ها مقصد و غایت سیاست، افزونی یاری و قدرت صاحبان آن است (هابز، ۱۳۸۵: ص ۸۰). در اندیشه میشل فوکو نیز مسئله قدرت، فراگیر و در همه‌جا جاری است (نوابخش و کریمی، ۱۳۸۸: ص ۴۹). برخی نیز غایت سیاست را ساماندهی و نظم بخشیدن به امور می‌دانند (وینست، ۱۳۸۳: ص ۲۱-۲۲). در رویکرد سوم، سیاست با غایت فضیلت و سعادت تعریف می‌شود (فاستر، ۱۳۵۸: ج ۱، ص ۴۵۲-۴۵۴). از نظرگاه ارسطو، سیاست غایت و خیری است که به انسان می‌رساند (ارسطو، ۱۳۸۵: ص ۱۴). توماس آکویناس با هم‌سان‌سازی سیاست و حکومت، سیاست را هدایت‌گر و ایفاکننده نقش کشتی برای رساندن بار به منزل فضیلت و پارسایی، به نعمت همجواری خدا تعریف می‌کنند (فاستر، ۱۳۵۸: ج ۱، ص ۵۴). دانشوران اسلامی نیز سیاست را با توجه به غایت آن (سعادت کامل بشری) و ایصال به مطلوب تعریف کرده‌اند (طوسی، ۱۳۶۰: ص ۷۱). از منظر ملاصدرا سیاست به معنای تدبیر و هدایت جامعه از دنیا به سوی آخرت به منظور تقرب به خداوند متعال می‌باشد (لک‌زایی، ۱۳۸۱: ص ۸۴-۸۶). امام خمینی با توجه به غایت سیاست، آن را هدایت‌گر جامعه به سوی هدایت، صلاح و سعادت عینی، همان کار انبیاء می‌داند (امام خمینی، ۱۳۹۱: ج ۱۳، ص ۴۳۲). در این تعاریف، قدرت وسیله‌ای است که برای نیل به مقاصد متعالی و اهدافی مقدس و بلند به کار گرفته می‌شود (فراستی، ۱۳۹۰: ص ۹۰). بنابراین، «هدف مطالعات سیاسی به این معنا کشف قوانین مربوط به اشکال گوناگون روابط قدرت در جوامع انسانی، سمت و جهت این روابط و معرفی و شناساندن آنها به صورت سامان‌یافته است (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ص ۳۳). در نتیجه، علوم سیاسی به‌عنوان یک دانش سازمان‌یافته و رشته‌ای دارای انسجام منطقی است که در آن، نوعی سنت آکادمیک مطالعه سیاست وجود دارد. بر این اساس، بایسته است از عنوان علم به‌عنوان یک رشته برای آن استفاده نمود (مارش، ۱۳۹۲: ص ۲۴). با توجه به تعریف برگزیده، دانش سیاسی عبارت است از دانشی که به مطالعه فعل سیاسی (همان رابطه فرمانروایی و فرمان‌بری با منشأ قدرت) در جامعه می‌پردازد. به عبارت دقیق‌تر سیاست، دانش مطالعه فرآیند و رابطه قدرت در جامعه است.

#### ۴. چرایی و ضرورت مرجعیت علمی قرآن کریم

در بحث چرایی، این پرسش مطرح است که ضرورت پژوهش در حوزه «مرجعیت علمی قرآن کریم»

چیست؟ چرا رویکردهای تفسیری که از گذشته تا به امروز رواج داشته است و شاخه‌های متنوع آن یعنی روش تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی با روش‌های مختلف، قادر به پاسخگویی به عموم مسائل، ضرورت‌ها و نیازهای دانشی مسلمانان نیستند و ضرورت دارد که بحث به‌گونه مرجعیت و بازگشت به قرآن شکل بگیرد؟ بنابراین، باید در این مرحله چرایی و اولویت بحث مرجعیت علمی قرآن کریم روشن شود.

#### ۴-۱. تقدم روش‌شناسی بحث مرجعیت

به نظر می‌رسد در راستای پژوهش سیاست در قرآن کریم، راه‌های مختلفی پیش روی پژوهشگران این عرصه قرار دارد. در عرصه کلان مطالعات اخیر، دانش‌ها به دو سطح درجه اول<sup>۱</sup> و درجه دوم<sup>۲</sup> تقسیم می‌شوند. دانش‌های درجه اول، به مطالعه حقیقتی در جهان خارج می‌پردازند و در حقیقت، «مطالعه موضوع» صورت می‌گیرد؛ اما دانش‌های درجه دوم درباره دانش‌ها بحث و گفت‌وگو می‌کنند و به عبارتی، ناظر به «مطالعه مطالعه موضوع» هستند. به گفته برخی دانشیان «دانش‌های درجه اول»، دانش‌هایی هستند که به جهان دوم مربوط می‌شوند. به تعبیر دیگر، اگر واقعیت‌های نفس‌الامری را جهان اول بدانیم، دانش‌های درجه اول به این واقعیت‌ها می‌پردازند (خسروپناه، ۱۳۸۶: ص ۱۶-۱۷). براساس این سخن، دانش درجه دوم، جهان اول و دوم را مطالعه می‌کند؛ بنابراین، همه فلسفه‌های مضاف به نظام معرفتی - خواه مکاتب یا علوم - دانش‌های درجه دوم به‌شمار می‌آیند (همان). به عبارتی، هر علمی که موضوع آن واقعیت خارجی باشد، درجه اول است و هر علمی که موضوع آن رشته علمی باشد، درجه دوم است. در این لحاظ همواره فلسفه‌های مضاف، درجه دوم نخواهند بود. به‌عنوان نمونه، فلسفه دین در زمره دانش‌های درجه اول جای می‌گیرد؛ زیرا رشته علمی به نام دین وجود ندارد (سروش، ۱۳۷۰: ص ۴۷-۵۱). به هر جهت، دانش تفسیر - ترتیبی و موضوعی - در زمره دانش درجه اول جای می‌گیرد. بحث «مرجعیت علمی» از منظری فراتر و به شکل مطالعه مطالعه یا مطالعه درجه دوم معطوف می‌باشد؛ زیرا از یک‌سو، چگونگی ورود و طرح سیاست در قرآن کریم را بررسی می‌کند و از سوی دیگر، چگونگی تأثیر آموزه‌های قرآن کریم را بر تأسیس و تحول دانش‌های سیاسی تحلیل می‌کند. در این صورت، هرگونه مطالعه درباره چیستی، چگونگی (موضوع پژوهش حاضر)، اعتبار، غایت و تحول این نوع مطالعه خصلتی فراتر و درجه دوم خواهد یافت. در واقع در این مطالعه، مطالعات قبلی به‌صورت پسینی و نقشه راه و حرکت به‌سوی دانش سیاسی قرآن‌بنیان به‌صورت پیشینی خواهد بود. از آنجاکه

1. First order Knowledge

2. Second order knowledge

تاکنون کار جدی در عرصه تهبیه نقشه راه و مطالعه درجه دوم تفسیر و کشف مراد الهی در موضوع سیاست صورت نگرفته و مطالعات انجام شده معطوف به نگاه درجه نخست بوده است؛ چرایی و اولویت روشی مرجعیت علمی قرآن بر دیگر مطالعات روشن می شود. بنابراین، ضرورت می یابد که دانشوران این عرصه با نگاهی نقادانه و مطالعه درجه دوم در ذیل عنوان مرجعیت علمی قرآن کریم به این امر اقدام نمایند و نهاد حوزه علمیه نیز بستر مناسب را برای تحقق آن فراهم سازد.

#### ۴-۲. عملکرد پارادایمی مرجعیت علمی

وجه دوم چرایی بحث مرجعیت علمی قرآن کریم، عملکرد پارادایمی آن است. پارادایم «یک چارچوب فلسفی و نظری از یک رشته یا مکتب علمی در کنار نظریه ها، قوانین، کلیات و تجربیات به دست آمده است که قاعده مند شده است»؛ به طور کلی، چارچوب نظری و فلسفی از هر نوع. این مفهوم با نام فیلسوف و مورخ علم، توماس کوهن مقارن است و نخستین بار توسط وی، در ساختار انقلاب های علمی<sup>۱</sup> به کار گرفته شده است (کوهن، ۱۳۶۹: ص ۱۸۰). پارادایم، چارچوبی فراهم می آورد که دانشوران یک رشته یا مکتب در محدوده آن استدلال می کنند. پارادایم یک علم، مدت های مدیدی تغییر نمی کند و تغییر آن دفعی صورت نمی گیرد؛ ولی گاه به تدریج در هم می شکنند و دگرگونی علمی رخ می دهد. در این صورت، دوره علم جدیدی آغاز می شود. در نظر کوهن در حقیقت، جهان بینی موجود که نظریه و علم در قالب آن شکل گرفته و همه کاربردهایی که از آن حاصل آمده را پارادایم می نامند. مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی با همه وجوه آن که در چگونگی آن خواهد آمد، سبب فروریزی دانش سیاسی عرفی می شود و با هر پرسش و تأثیری که بر علوم سیاسی می گذارد، پارادایم پیشین را برهم زده و پارادایم جدیدی را شکل می دهد و ساختمان دانش سیاسی جدیدی را با پسوند قرآن بنیان بنا می کند.

#### ۴-۳. تبیین سهم قرآن در اسلامی سازی علوم

علم دینی واژه ای مرکب از «علم» و «دین» است؛ با قبول تعریف پذیری علم (تهانوی، ۱۹۹۶م: ج ۲، ص ۱۲۲۱) تبیین مفهوم آن به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین دشوار است. گستردگی مفهومی این واژه در علوم مختلف سبب شده تحقیق در مفهوم آن به عنوان یک مفهوم بنیادین دشوار گردد. با توجه به این نکته، معانی مختلفی مانند: حضور موجود مجرد از ماده نزد موجود دیگر (ملاصدرا، ۱۹۸۱م: ج ۳، ص ۲۸۸-۲۹۹)

به معنای قطع و یقین، یا به معنای باور صادق موجه برای آن گفته شده که هیچ‌یک منظور این مقاله نیست. در نگاه دیگر، علم یک رشته علمی مبتنی بر روش تجربی («science») است؛ یعنی مجموعه‌ای از آگاهی‌هایی که دارای ویژگی‌هایی است: یکم) حصولی‌اند (نه حضوری و شهودی). دوم) بر مبنای تجربه حسی به دست آمده‌اند. در این اطلاق، فقه، اصول، اخلاق و فلسفه علم نیستند؛ زیرا اینها آگاهی‌هایی هستند که از طریق تجربه حسی مستقیم اکتساب نمی‌شوند و قابل آزمون تجربی نیستند (بستان، ۱۳۹۲: ص ۳۳). بر اساس این مبنا علم جدید، کاربردی متفاوت از قبل پیدا می‌کند؛ چنانچه چالمرز علم جدید را در نگرش استقرایی چنین تعریف می‌کند: هدف علمی معرفتی است اثبات‌شده، نظریه‌های علمی به شیوه‌ای دقیق از یافته‌های تجربی که با مشاهده و آزمایش به دست آمده‌اند، اخذ می‌شوند. علم بر آنچه می‌توان دید، شنید، لمس کرد و امثال اینها بنا شده است. عقاید و سلیقه‌های شخصی و تخیلات نظری، هیچ‌جایی در علم ندارند. علم، عینی است و معرفت علمی معرفت قابل اطمینان است؛ زیرا به طور عینی اثبات شده است. به نظر من، این‌گونه اظهارات گوهر تلقی متداول معاصر از معرفت علمی است (آلن اف، ۱۳۸۷: ص ۱۳). مشکل اساسی این است که در این کاربرد تنها امور حسی و آزمون‌پذیر، علم هستند و آنچه از راه شهود، وحی و مانند آن به دست می‌آید، آگاهی است و علم نیست. در برابر دیدگاه محدود، علم به مجموعه‌ای از دانسته‌های سازمان‌یافته اطلاق می‌شود؛ خواه مبتنی بر حس یا هر منبع دیگری مانند وحی و مثل آن باشد. در مجموع و با توجه به تعریف‌های یادشده، می‌توان تعریف برخی از دانشوران معاصر را تعریف مناسبی در پژوهش حاضر به‌شمار آورد: «علم برحسب تعریف مورد قبول، مجموعه مسائلی تشکیل شده از موضوع و محمول‌اند که موضوعات آنها زیرمجموعه یک موضوع واحدند و پاسخی برای اثبات یا نفی می‌طلبند. هر تلاشی در این راه، تلاشی از سنخ آن علم به‌شمار می‌رود و منبع یا روش در آن نقشی ندارد؛ بلکه شامل فقاهت (در فقه)، تفلسف (در فلسفه) و تحقیق و پژوهش علمی (در علوم) می‌شود» (مصباح، ۱۳۹۲: ص ۸۰). تفاوت نمی‌کند که منبعی که سبب علم می‌شود منابع تجربی و حسی یا منابعی مانند عقل، وحی و کشف و شهود باشد. اولین معنایی که از واژه «دینی» یا «اسلامی» دانستن یک مطلب به ذهن خطور می‌کند، این است که آن مطلب از منابع مورد قبول دین گرفته شده باشد، ولی این تنها ملاک نیست؛ بلکه باید به سراغ منابع دین رفت. در نتیجه، نه تنها متون آیات و روایات، بلکه عقل از منابع دین و دستاوردهای آن نیز با رعایت شرایطی دینی محسوب می‌شود (سوزنچی، ۱۳۸۹: ص ۱۸۵-۱۸۶). البته اسلامی‌سازی علوم دارای الگوهای مختلفی است که در بحث از چگونگی مرجعیت بدان اشاره می‌شود. به هر جهت، یکی از دلایل چرایی بحث از مرجعیت علمی قرآن، این است که سهم و چگونگی تأثیرگذاری قرآن در اسلامی‌سازی علوم به‌طور عام و علوم سیاسی به‌طور خاص که خود

بسیار ارزشمند است، بر این اساس جایگاه و نقش و تأثیرگذاری قرآن کریم در شکل‌گیری و تحول و تکامل دانش‌های سیاسی بشری به‌صورت فعال روشن می‌شود.

#### ۴-۴. زمینه‌ساز ایجاد تمدن اسلامی

بی‌تردید تمدن‌سازی نیازمند شرایط و پیش‌نیازهای بسیاری است که بدون ایجاد آنها رخ نخواهد داد. یکی از مهم‌ترین عناصر تمدن‌ساز، توسعه علم است. بنابراین، برای جبران عقب‌ماندگی و فراموشی تمدن‌ساز اسلام، چاره‌ای جز رویکرد به راهبرد توسعه علوم اسلامی در پرتو قرآن و سنت نیست. با توجه به نکته پیش‌گفته، در راستای تأثیرگذاری بر دانش سیاسی و جلوگیری از تأثیرپذیری از دانش سیاسی عرفی و سکولار و در پی آن ایجاد تمدن اسلامی، نیازمند تدوین علوم سیاسی قرآن‌بنیان هستیم و این امر بدون ورود به بحث مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی تحقق نخواهد یافت.

#### ۵. چگونگی مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی

منظور از چگونگی مرجعیت علمی قرآن کریم، راهکارها و شیوه دستیابی به مرجعیت علمی در اصلاح و تأسیس دانش سیاسی قرآن‌بنیان است. بی‌تردید بحث از چگونگی، متأثر و متناسب از بحث چپستی و چرایی است، که برخی عناصر چگونگی تحقق این مهم در ذیل بررسی می‌شود.

#### ۵-۱. تربیت متخصصان میان‌رشته‌ای قرآن و سیاست

بی‌تردید قرآن کریم ظرفیت چندوجهی دارد و آن را در معرض برداشت‌ها و روش‌های مختلف قرار می‌دهد. به‌عبارتی، از آنجاکه در قرآن کریم مسائلی بیان شده است که عوامل متعددی در آن نقش ایفا می‌کند؛ بنابراین، می‌طلبد که به‌صورت میان‌رشته‌ای مورد تفسیر و مطالعه قرار گیرد، مطالعه میان‌رشته‌ای کثرت‌گرایی روش‌شناختی مبتنی بر تعامل مؤثر بین گستره‌ها در تحلیل مسئله‌های واحد است. به دیگر سخن، مطالعه میان‌رشته‌ای، شناخت‌پدیدار در پرتو گفت‌وگوی مؤثر بین رهیافت‌های دانش‌های مختلف است (زارع قراملکی، ۱۳۸۹: ص ۳۹۲). در نتیجه، فردی که در علوم قرآن به‌معنای عام متخصص باشد و برای حل مسئله چندوجهی قرآنی، به‌صورت تخصصی از یافته‌ها و روش‌های علوم دیگر استفاده کند، متخصص میان‌رشته‌ای نامیده می‌شود. چگونگی پرداختن به بحث مرجعیت، مستلزم تربیت دانشوران متخصص میان‌رشته‌ای است؛ به‌گونه‌ای که در علوم قرآن به‌طور عام متخصص و از رشته دیگر مورد نظر نیز اطلاعات کامل و لازم را داشته باشند؛ تا بتوانند از یافته‌ها و روش‌های دیگر علوم به‌طور تخصصی بهره بگیرند.

## ۵-۲. انتخاب چارچوب نظری مناسب

بی‌تردید، تبیین و ترسیم چگونگی مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی، بدون الگوی مناسب که چارچوب نظری بحث را روشن و محدوده آن را مشخص نماید، امکان‌پذیر نخواهد بود. قائلان به امکان علم دینی، الگوهای مختلفی را ارائه کرده‌اند، برخی قائل به امکان علم دینی به روش سنتی (نصر، ۱۳۸۴: ص ۱۲۱) و برخی امکان آن را به شکل نوین دنبال می‌کنند. شهید صدر با شکل‌گیری مکتب و مذهب اسلام در حوزه‌های متفاوت علوم انسانی، علم دینی خویش را مطرح می‌کند (صدر، ۱۴۰۸ق: ص ۳۳۱؛ ۱۴۲۹ق: ص ۳۲-۳۵). دکتر گلشنی، علم دینی را در سطح مبانی و جهان‌بینی مطرح می‌کند (گلشنی، ۱۳۸۵: ص ۱۵۱-۱۶۸) و گروه فرهنگستان، علم دینی را با جهت‌داری علوم ترسیم می‌کنند (میرباقری، ۱۳۸۹). در نظر آیت‌الله مصباح، علم مبنایی، ارزشی و اجتهادی مطرح می‌شود (مصباح، ۱۳۹۱ ب: ص ۲۷۰-۲۶۲) و دیدگاه حداکثری در علم دینی توسط آیت‌الله جوادی آملی مطرح شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ص ۲۲۸؛ ۱۳۷۲: ص ۱۱۴). انتخاب هریک از الگوهای یادشده، تأثیر زیادی در کمیت و کیفیت تحقق مرجعیت علمی خواهد داشت. بنابراین، باید براساس معیار استحکام علمی، جامعیت و پوشش حداکثری، ظرفیت تمدن‌سازی، الگوی مناسب و موجه‌تری را برگزید. از آنجایی که الگوی علم دینی آیت‌الله جوادی با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌پذیری، الگوی مناسبی برای بحث مرجعیت علمی است، کاربست نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی با توسعه تعریف در واژگان دین، خلقت، علم و عقل آغاز شد. بی‌تردید گزاره نخست، همان توجه دین به لایه‌های وجودی انسان (روح، عقل و رفتار) است. مسائل مرتبط به روح و روان توسط دانش اخلاق، مسائل مربوط به عقل، عقاید و مسائل حوزه رفتاری انسان با فقه پوشش داده می‌شود تا نیازهای انسان برآورده شود. گزاره دوم نیز (تعیین هدف دین: اداره جامعه و پرورش انسان) همان هدف قرآن کریم است؛ یا به عبارتی بخش معظمی از آن توسط قرآن برآورده می‌شود. گزاره سوم با واسطه بیشتری به کار این پژوهش می‌آید. گزاره چهارم (توسعه در معنای دین در راستای شمول علوم طبیعی) از موضوع بحث پژوهش حاضر خارج است. جایگزینی واژه «خلقت» به جای «طبیعت» در راستای دینی‌سازی علوم تجربی صورت می‌گیرد؛ اما توجه به مبدأ، مقصد و معاد و مسیر حرکت در علوم سیاسی نیز کاربرد اساسی دارد. تبیین مفهوم علم در الگوی مورد نظر این گزاره که دانش سیاسی شاخصه‌های علم‌بودن را دارا است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه به این نتیجه می‌انجامد که دانش سیاسی در عین کشف از حقیقت می‌تواند الهی باشد و با توجه به ویژگی‌های یادشده عقل هم‌تراز با نقل، یکی از منابع درک دین، عقل است و این نکته در اسلامی‌سازی تأثیر به‌سزایی دارد.

آنچه بیش از هر چیزی در این الگو مورد نظر است، بررسی چگونگی اثرگذاری نقل بر دانش است؛ زیرا اگر همه جزئیات دانشی توسط نقل ارائه شود، دینی بودن آن روشن و آشکار است، اما افزون بر این، چهار بخش دیگر نیز علم دینی خواهند بود:

۱. در صورتی که نقل (قرآن) قانون یا گزاره‌های سیاسی-اجتماعی را تنفیذ و امضاء کند و آنها را بپذیرد، اذعان می‌کنیم که دینی است. ما از آن با عنوان «تأییدی» یاد می‌کنیم (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۴، ص ۲۸۹): البته شامل تأسیس، تأیید کامل یا اصلاح می‌شود.

۲. تأسیس و ابتکار شارع مقدس نسبت به هریک از دانش‌ها در حقیقت یکی از عمده‌ترین ملاک‌ها و ترازهای اسلامی شدن یا همان دینی شدن است؛ که به نظر نگارنده در بخش‌ها و گرایش‌های مختلف دانش‌های علوم سیاسی رخ داده است (همان).

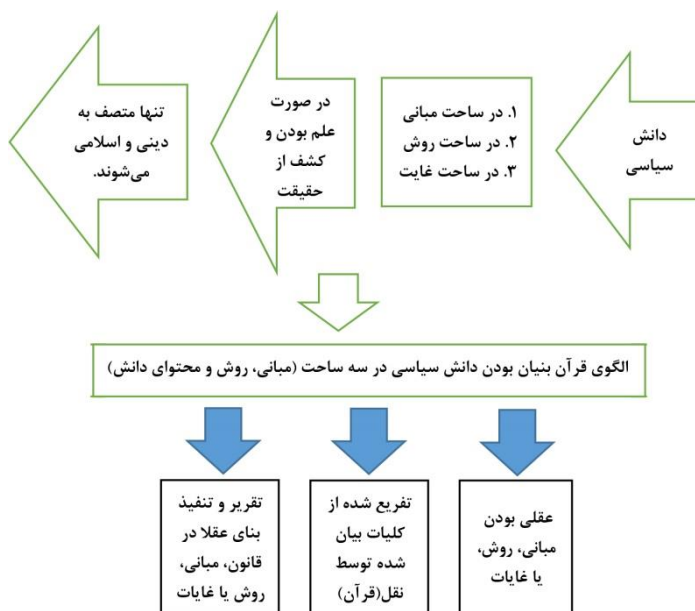
۳. مرحله دیگری که توسعه و گستره فراوانی در قرآن کریم دارد، این است که کلیات علوم به صورت نقلی تبیین شود و جزئیات و فروع از آنها استنباط و استخراج شود. بی تردید، چنین گزاره‌هایی اسلامی خواهند بود. در قرآن کریم نیز قوانین کلی دانش سیاسی یا گرایش‌های مرتبط بیان شده‌اند و می‌توان جزئیات بسیاری را از آنها تفریع نمود (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ص ۱۷۱).

۴. در صورتی که مبانی، روش و غایات دانش (دانش سیاسی)، از نقل گرفته شود و متّصف به وصف دینی گردد، دانش برآمده از آن نیز دینی خواهد بود.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود براساس الگوی یادشده و کاربرست و روش اعمال آن در علوم انسانی (سیاسی)، دانش سیاسی اسلامی متشکل از فلسفه سیاسی قرآن بنیان، کلام سیاسی قرآن بنیان، اخلاق سیاسی قرآن بنیان، فقه سیاسی قرآن بنیان، جامعه‌شناسی مبتنی بر قرآن و... مورد پژوهش قرار گرفته و ارائه شود.

#### جدول ۱- چگونگی تأثیر نقل بر علم دینی

تقریر و تنفیذ بنای عقلا و قوانین و رسوم به واسطه دلیل نقلی	تنفیذ و تقریر شارع	دو روش دیگر دینی بودن برخی از قواعد و قوانین و علوم
عدم ردع بنای عقلای همزمان با حضور شارع	تبیین کلیات علوم توسط دلیل نقلی	
قوانین جزئی تفریع شده از کلیات بیان شده در نقل، دینی محسوب می‌شود		
ملاک تفریع و استنباط براساس قواعد و اصول است.		



### ۳-۵. تهیه سند جامع مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم انسانی (علوم سیاسی)

از آنجایی که مرجعیت علمی قرآن در علوم انسانی به طور عام و در علوم سیاسی به طور خاص، پروژه بزرگ و دقیقی است، باید برای تحقق آن در جامعه و فرآیند آن، سندهای مختلف علمی تهیه و تنظیم شود که این خود نیازمند تفکر جمعی متخصصان میان رشته‌ای هر یک از دانش‌ها می‌باشد. بنابراین، باید در هر یک از رشته‌ها و گرایش‌ها کارگروه‌های عملی تشکیل داد تا در رشته مورد نظر به تنظیم سندی اقدام نمایند که شامل تبیین و ضرورت موضوع، ترسیم اهداف و غایات سند، تبیین مفاهیم و تعیین گستره کار، انتخاب روش و الگوی مناسب، قلمرو تحقیق و راهبردها و مدیریت پروژه باشد و مسیر چگونگی تحقق مرجعیت را به عنوان یکی از خواسته‌ها و مطالبات مقام معظم رهبری تحقق بخشند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲۸). بر این اساس، باید نهادهای مختلف مرتبط با این مسئله، به طور جدی‌تری وارد عمل شوند و اسناد کلی و جزئی «مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم انسانی» به طور عام و علوم سیاسی را به طور خاص، تهیه کرده و به منصفه عمل برسانند.

### ۴-۵. بررسی مرجعیت هر یک از علوم دخیل در علوم سیاسی

از آنجایی که درونداشته علم سیاست از یافته‌های دیگر رشته‌های علمی تأثیر می‌یابد و در چارچوب

گسترده‌تر رشته‌های هم‌پیوند می‌تواند به بررسی پدیده‌ها بپردازد؛ ضرورت دارد برای دستیابی به پژوهشی قابل‌اطمینان، مرجعیت علمی قرآن کریم را در دانش‌های دخیل در علوم سیاسی بررسی کنیم. دانش‌هایی مانند کلام سیاسی، فقه سیاسی، اخلاق سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، عرفان سیاسی، تاریخ سیاسی، از جمله علوم هستند که مجموع آنها دانش سیاسی را تشکیل می‌دهد و قرآن کریم درباره آنها سخن گفته است. با بررسی تأثیر قرآن کریم بر بخش‌های مختلف هر یک از دانش‌های یادشده، می‌توان مرجعیت قرآن کریم در آن دانش را ملاحظه کرد. اگرچه مقدار و گستره بررسی‌ها وابسته به الگوی انتخاب شده است؛ ولی در الگوی حداکثری مهم‌ترین بخش‌هایی که تحقیق می‌شوند، عبارتند از:

#### ۵-۴-۱. مرجعیت علمی قرآن در مفاهیم دانش‌های سیاسی

مهم‌ترین مؤلفه‌های یک دانش را مفاهیم، نظریه‌ها، قواعد و روش آن دانش تشکیل می‌دهند. قرآن کریم در همه بخش‌های یادشده در دانش سیاسی تأثیری سترگ دارد. به‌طور کلی، واژگان سیاسی قرآن کریم را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف. واژه‌هایی که بیان‌کننده اندیشه گروهی یا موضع‌گیری قشر یا حزب خاصی است؛ واژگانی مانند: قوم، امت، ناس، شعوب، قبایل، رسول، نبی، امام، اولی‌الامر، مرسل، ولی، مؤمن، کافر، منافق، مشرک، ناصح، ظالم، عادل، ربی، رهبان و احبار، مستعلی، مستکبر، مستضعف، مسرف، طاغوت، ملأ، ملوک، غنی، فقیر، مملوک، مالک، حر، عبد، رب، ضعیف، قوی، عنود، مهتدی، ضال، مضل.

ب. واژگانی که بیان‌کننده پدیده‌های سیاسی-اجتماعی هستند که یک نوع دسته‌بندی عام و فراگیر به‌شمار می‌آید؛ مانند: امت، شریعت، شرعه، منہاج، سنت، دین، سیره (نظرزاده، ۱۳۹۶).

ج. بررسی مفاهیم سیاسی دانش خاص؛ به‌عنوان مثال، تأسیس مفاهیم فقه سیاسی یا کلام سیاسی به‌صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۵-۴-۲. مرجعیت علمی قرآن کریم در مبانی دانش‌های سیاسی

دانش‌ها مبتنی بر زیرساخت‌ها و مبانی بنا می‌شوند و چگونگی نگرش به مبانی در سایر بخش‌های یک دانش تأثیر می‌گذارد و نتیجه و خروجی آن نیز متفاوت خواهد بود. بر این اساس، یکی از بخش‌های مهم بحث مرجعیت علمی قرآن، بررسی تأثیرگذاری قرآن کریم بر مبانی دانش سیاسی است، که در سه بخش عمده متمرکز می‌شود:

**مبانی هستی‌شناسی:** بحث هستی‌شناسی از آن‌رو بیشتر اهمیت دارد که اصل موضوعی برای همه علوم

انسانی از حکمت و عرفان گرفته تا ادبیات، هنر، اقتصاد، سیاست، فقه، حقوق، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مانند آن است. بنابراین، باید با بررسی هستی‌شناسی قرآن، تأثیر آن را در دانش سیاسی قرآن کریم مورد بررسی قرار داد. به عبارتی، بخشی از چگونگی مرجعیت علمی قرآن کریم وابسته به بررسی مبانی هستی‌شناسی قرآن است.

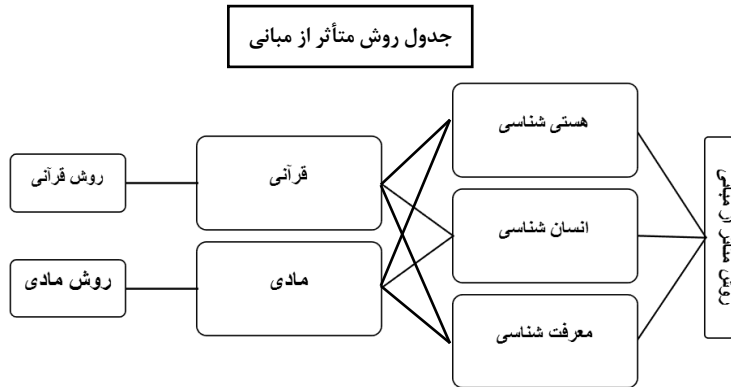
**مبانی معرفت‌شناسی:** امروزه معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی<sup>۱</sup> یا نظریه شناخت<sup>۲</sup> شاخه‌ای از فلسفه است که به‌عنوان نظریه چپستی معرفت و راه‌های حصول آن تعریف می‌شود (هالینگدیل، ۱۳۸۷: ص ۵۳، طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۱۳۵). به عبارتی، منظور از معرفت‌شناسی، بخشی از مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت، حدود و ثغور آن است که از یک‌سو با انسان‌شناسی<sup>۳</sup> و از سوی دیگر، با هستی‌شناسی<sup>۴</sup> و ارزش‌شناسی<sup>۵</sup> مرتبط می‌شود (معاونت مطالعات و تحقیقات وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۷). در اندیشه کسانی چون آیت‌الله جوادی، معرفت‌شناسی به‌عنوان علم خاص دارای هویت جمعی است که از مبادی، مسائل و اهداف مخصوص تشکیل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ص ۸۷). برخی دانشوران نیز در توصیف لفظی شناخت آورده‌اند که شناخت به‌معنای اطلاع از واقعیت و راه‌یافتن به آن است (همان: ص ۸۶).

**مبانی انسان‌شناسی:** از آن‌رو که در علوم انسانی، انسان عنصر محوری است و مباحث انسان‌شناختی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است؛ بنابراین هر نگاه و تعریفی نسبت به انسان، موجب به‌دست آمدن نتایج متفاوتی در رشته‌های مختلف علوم انسانی از جمله علوم سیاسی می‌شود.

دانش سیاسی تولیدشده در اسلام بر انسان‌شناسی ویژه‌ای تأکید دارد که آن را در بنیاد خود از اندیشه تجددگرایی اروپایی متمایز می‌نماید. بنابراین، شناخت انسان و ویژگی‌های او از پیش‌فرض‌های هر دانشی است و هرچه شناخت ما از انسان عمیق‌تر و دقیق‌تر باشد؛ دانشی که تولید می‌شود نیز از عمق و غنای بیشتری برخوردار است. بر این اساس، در علوم انسانی به‌طور کلی و در دانش سیاسی به‌طور ویژه، انسان عنصر محوری است و تا انسان شناخته نشود و چگونگی نگرش به انسان مشخص نشود، دانش سیاسی نیز همچنان ناشناخته باقی خواهد ماند. روش‌شناسی متأثر از مبانی: بی‌شک، عوامل سه‌گانه مبانی معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و هستی‌شناسی در تکوّن روش علم تأثیرگذارند. بر این اساس، تفاوت و اختلاف

- 
1. Epistemology
  2. Theory of Knowleg
  3. Anthropology
  4. Antology
  5. Axiology

روش‌شناسی‌های غیردینی با روش‌شناسی الهی و قرآنی ناشی از تفاوت و اختلاف در عوامل سه‌گانه پیش‌گفته است و در نهایت، به تفاوت دانش برآمده از آن روش می‌انجامد.



بنابراین، یکی از پاسخ‌های چگونگی مرجعیت، انتخاب روش درست قرآن‌بنیان است؛ تا بتوان نتیجه مناسبی گرفت.

#### ۵-۴-۳. بررسی مرجعیت علمی قرآن کریم در غایات دانش‌های سیاسی

هر دانشی به میزان برخوردارگی از اهداف بلند و عالی مطلوبیت بیشتری می‌یابد و تعلم آن نیز ارزش و اولویت پیدا می‌کند. البته هدف دانش واحد نیست؛ بلکه دارای مراتب و سطوح مختلفی است. غایات و اهداف به مقدماتی، میانی و نهایی تقسیم می‌شوند. غایات مقدماتی و میانی، مطلوبیت خود را مدیون مطلوبیت غایت نهایی هستند؛ ولی غایت نهایی، مطلوب اصلی و خود مقصود است و مقدمه برای رسیدن به هدف دیگری نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب: ج ۲، ص ۴۳۲). غایات دانش سیاسی قرآن در دو قسم کلی «هدف خاص» و «هدف عام» بررسی می‌شود. منظور از هدف خاص، اهدافی است که بر هر یک از دانش‌های سیاسی برآمده از قرآن مترتب می‌شود و معنای «هدف عام» همان هدف نهایی است که در همه‌گرایش‌های شاخه‌های دانش سیاسی، ساری و جاری است.

#### ۵-۴-۴. بررسی مرجعیت علمی قرآن در مسائل و قواعد دانش

انسان، دارای سه لایه اصلی نفس و قلب، ظاهر و رفتار و روح و عقل است (امام خمینی، ۱۳۷۱: ص ۳۸۶). قرآن کریم نیز سه محور اصلی دین را متناسب با لایه‌های وجود انسان مطرح کرده است. آیات الهی، در زمینه هدایت سیاسی نیز به تبیین مسائل دانش‌ها براساس نیازها و لایه‌های وجودی انسان،

پرداخته‌اند. بنابراین، باید مسائل و قواعد دانش‌های سیاسی را که قرآن کریم به آنها پرداخته است، مورد بررسی قرار داد و مرجعیت علمی قرآن کریم را در آنها نمایان ساخت.

جدول ۲- نظریه لایه‌های سه‌گانه وجودی انسان و ساختار دانش سیاسی اسلامی

ردیف	لایه وجودی انسان	دانش عام	دانش اسلامی	دانش سیاسی
۱	عقل / باور / بینش /	هر دانشی که با تقویت یا تضعیف باورهای انسان مرتبط باشد.	حکمت و کلام اسلامی	کلام سیاسی حکمت سیاسی
۲	قلب / گرایش / حب و بغض /	اخلاق و عرفان	عرفان و اخلاق اسلامی	عرفان سیاسی اخلاق سیاسی
۳	حواس / کنش / رفتار	علوم انسانی و تجربی	فقه و علوم انسانی	فقه سیاسی علوم سیاسی تجربی

بنابراین، بخشی از چگونگی تحقق مرجعیت علمی قرآن کریم وابسته به تبیین همه مسائل دانش‌های سیاسی از منظر قرآن است.

## ۶. نتیجه‌گیری

تبیین «چیستی، چرایی و چگونگی مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی» رسالت و دغدغه اصلی این پژوهش راهبردی بود. تلاش شد تا ماهیت معنایی مرجعیت علمی را به‌عنوان چیستی تبیین نماییم که در مجموع به دلایل مختلف، از معانی یادشده، تأثیرگذاری معنادار و جامع همراه با روش و الگوی مناسب را برای مرجعیت علمی پذیرفتیم. تقدم روش‌شناختی قرآن کریم با داشتن گزاره‌ها و نظام سیاسی متعالی، پارادایم پیشین در علوم سیاسی را برهم می‌زند و پارادایم جدیدی را شکل می‌دهد و ساختمان دانش سیاسی نوینی را با پسوند قرآن‌بنیان بنا می‌نهد. افزون‌بر اینکه تحقق و پیاده شدن مرجعیت علمی قرآن در علوم انسانی به‌طور عام و در علوم سیاسی به‌طور خاص، زمینه ایجاد تمدن اسلام را در دانش سیاسی فراهم می‌آورد. پاسخ اینکه چرا باید بحث مرجعیت مطرح شود، این است که با چنین کاری سهم قرآن کریم در اسلامی‌سازی دانش سیاسی روشن و مشخص می‌شود، و در چگونگی انجام مرجعیت قرآن کریم، راهکارهایی مانند: تربیت متخصصان بینارشته‌ای، انتخاب الگو و چارچوب نظری مناسب با ظرفیت مرجعیت علمی مثل الگوی علم دینی آیت‌الله جوادی، تهیه سند جامع مرجعیت علمی قرآن کریم، بررسی مرجعیت علمی قرآن کریم در ارائه قواعد و مسائل دانش سیاسی، به همراه بررسی مرجعیت در هر یک از دانش‌های دخیل در علوم سیاسی در وسعت مفاهیم، مبانی، روش، مسائل و غایات ارائه شد.

## منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۹۴). *دانشنامه سیاسی: فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی*. تهران: انتشارات مروارید.
- آقابخشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۴). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- آلن اف، چالمرز (۱۳۸۷). *چپستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی*. ترجمه سعید زبیاکلام. تهران: انتشارات سمت.
- ابن فارس، محمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ج ۱.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴). *مبانی سیاست*. تهران: انتشارات توس، چاپ دهم.
- ارسطو (۱۳۸۵). *اخلاق نیکوماخوس*. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: انتشارات طرح نو، چاپ دوم.
- بابایی، غلامرضا؛ آقایی، بهمن (۱۳۹۴). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: ویس.
- بستان، حسین (۱۳۹۲). *گامی به سوی علم دینی*. قم: انتشارات حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۲). *رویکردهای مطالعات سیاسی قرآن*. پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۲.
- تهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶م). *کشف اصطلاحات الفنون و العلوم*. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- جاسمی، محمد (۱۳۵۷). *فرهنگ علوم سیاسی*. گوتنبرگ.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). *شریعت در آئینه معرفت*. تهران: مرکز نشر فرهنگ رجاء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). *معرفت‌شناسی در قرآن*. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *سرچشمه اندیشه*. تنظیم عباس رحیمیان. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ج ۴.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). *حق و تکلیف*. تنظیم مصطفی خلیلی. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۷/۲۸). *با بانوان قرآن پژوه*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8259>
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۶). *دیدهبانی: نظریه دیدهبانی (فلسفه مضاف تاریخی - منطقی به مثابه نظریه تحول در علوم)*. اندیشه نوین دینی، ۳(۱۰).
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۱). *چهل حدیث*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۱). *صحیفه امام*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۳.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۶). *مرجعیت علمی قرآن کریم*. سلسله منشورات کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی. قم: ترجمه و نشر المصطفی.
- زارع قراملکی، محمد (۱۳۸۹). *اصول تفکر سیاسی در قرآن*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۰). *قبض و بسط تئوریک شریعت: نظریه تکامل معرفت دینی*. انتشارات صراط.
- سوزنجی، حسین (۱۳۸۹). *معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صدر، محمدباقر (۱۴۰۸ق). *اقتصادنا*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صدر، محمدباقر (۱۴۲۹ق). *الاسلام بقود الحیاة، المدرسة الاسلامیة*. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر.

- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. با مقدمه و شرح مرتضی مطهری. انتشارات صدرا، چاپ چهارم، ج ۱.
- طوسی، محمدرضا؛ عالمی، عبدالرؤف (۱۳۹۶). *رابطه مرجعیت علمی قرآن با جهانی، جاودانگی و جامعیت قرآن*. در: مجموعه مقالات قرآن و علوم انسانی. قم: نشر المصطفی.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۶۰). *اخلاق ناصری*. تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
- عالمی، عبدالرؤف (۱۳۹۶). *مرجعیت علمی قرآن کریم در حوزه علوم انسانی (مجموعه مقالات)*. قم: نشر المصطفی.
- عظیمی، محمدشریفه (۱۳۹۶). *چیستی و چگونگی مرجعیت قرآن در علوم انسانی*. در: مجموعه مقالات قرآن و علوم انسانی. قم: نشر المصطفی.
- فاستر، مایکل (۱۳۵۸). *خداوندان اندیشه سیاسی*. ترجمه جواد شیخ الاسلامی. تهران: امیرکبیر، ج ۱.
- فراستی، عبدالوهاب (۱۳۹۰). *دانش سیاسی در حوزه علمیه قم*. قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کوهن، توماس (۱۳۶۹). *ساختار انقلاب‌های علمی*. ترجمه احمد آرام. تهران: سروش.
- گلشنی، مهدی (۱۳۸۵). *از علم سکولار تا علم دینی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۱). *اندیشه سیاسی صدرالمآلهین*. قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.
- مارش، دیوید (۱۳۹۲). *روش و نظریه در علوم سیاسی*. ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱/الف). *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱/ب). *آموزش فلسفه*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۲). *رابطه علم و دین*. تحقیق و نگارش علی مصباح. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۳.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد (۱۹۸۱م). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳.
- میرباقری، مهدی (۱۳۸۹). *جهت‌داری علوم از منظر معرفت‌شناسی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- نصر، سید حسن (۱۳۸۴). *جوان مسلمان و دنیای متمدن*. ترجمه مرتضی اسعدی. تهران: طرح نو.
- نظرزاده، عبدالله (۱۳۹۶). *فرهنگ اصطلاحات مفاهیم سیاسی قرآن کریم*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- نوابخش، مهرداد؛ کریمی، فاروق (۱۳۸۸). *واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو*. *مطالعات سیاسی*، ۱(۳).
- وینسنت، اندرو (۱۳۸۳). *نظریه‌های دولت*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
- هاین، توماس (۱۳۸۵). *لویاتان*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
- هالینگدیل، رجینالد (۱۳۸۷). *در تاریخ فلسفه غرب*. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: انتشارات ققنوس.